

اعدام جاسوس مشترک سیا و موساد

عرفان شکورزاده به جرم همکاری با سرویس اطلاعاتی آمریکا و سرویس جاسوسی موساد به دار مجازات آویخته شد.

براساس محتویات پرونده، نامبرده به‌عنوان پروژه و با توجه به تخصصی که داشته، جذب یکی از سازمان‌های علمی کشور که در حوزه ماهواره فعالیت داشته، شده بود. وی در حین همکاری با مجموعه مهم علمی کشور، اقدام به ارتباطگیری با سرویس‌های جاسوسی دشمن ازجمله CIA و به‌طور ویژه سرویس اطلاعاتی - تروریستی موساد کرد. عرفان با سرویس‌های اطلاعاتی دشمن در سه مرحله اقدام به ارتباطگیری کرده که مرحله اول و سوم مربوط به موساد و مرحله دوم مربوط به سیا بوده است. اطلاعاتی که محکوم‌علیه تلاش داشته به سرویس‌های دشمن ارائه کند؛ دارای طبقه‌بندی بوده است. در مراحل اولیه ارتباطگیری، عرفان شکورزاده پس از پرکردن فرم همکاری با موساد، از طریق ایمیل، اطلاعاتی را با این سرویس اطلاعاتی رد و بدل می‌کند؛ اطلاعات اولیه نظیر مشخصات

شخصی و خانوادگی، محل کار، نوع دسترسی‌ها، مأموریت‌ها و وظایف سازمانی که وی در آنجا مشغول به فعالیت بوده است. بعد از گذشت مدتی، دوباره فردی از طریق شبکه اجتماعی لینکدین با شکورزاده ارتباط برقرار کرده و عنوان می‌کند که از ایرانیان مقیم کانادا بوده و رزومه وی را مشاهده کرده است. این فرد که در واقع افسر موساد بوده به شکورزاده پیشنهاد مشارکت در پروژه‌های دلاری خارج از کشور را می‌دهد. شکورزاده در این دوره زمانی از طریق واتساپ و بستر گوگل ارتباط صوتی با افسر موساد را ادامه داده و اطلاعات را به افسر سرویس ارسال می‌کند. نامبرده تمامی فعالیت‌های خود در شرکت، مشخصات و اطلاعات مربوط به شرکت در حوزه پروژه‌های ماهواره‌ای را به سرویس ارائه داده و در ازای آن ارز دیجیتال به‌عنوان پاداش دریافت کرده است. شکورزاده پس از ارتباط با موساد، اقدام به تلاش برای ارتباطگیری با سرویس اطلاعاتی آمریکا CIA می‌کند. هرچند مدت ارتباط شکورزاده با سیا کوتاه بوده اما در همین مدت تلاش کرده اطلاعاتی را به سرویس جاسوسی آمریکا منتقل کند. در مستندات کشف‌شده از ایمیل‌های محکوم‌علیه با عامل



محاكمه عاملان شب خونين پارک قیطريه

متلك در پارک قیطريه، آغاز درگیری مرگباری شد که پایانش با قتل پسر جوان مقابل چشمان نامزدش رقم خورد؛ جنایتی که چهار متهم را اتهام قتل شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۵ بامداد جمعه دوم آذر سال ۱۴۳۱، تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۰۱ تجریش با بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران، از وقوع جنایتی خونین در پارک قیطریه خبر داد. دقایقی بعد تیم بررسی صحنه جرم به همراه بازپرس کشیک قتل راهی محل شدند و تحقیقات جنایی آغاز شد.

وقتی تیم جنایی به ضلع جنوبی پارک رسید، با جسد پسر جوان حدود ۲۵ ساله روبه‌رو شدند که بر اثر ضربه چاقو، جانش را از دست داده بود. آثار درگیری در محل به چشم می‌خورد و بررسی‌های اولیه نشان می‌داد مقتول در جریان نزاعی دسته جمعی هدف حمله قرار گرفته است. در تحقیقات ابتدایی مشخص شد نامزد مقتول شاهد لحظه‌به‌لحظه حادثه بوده و ماجرای قتل را از نزدیک دیده است.

دختر جوان که شوکه شده بود، در تحقیقات اولیه گفت: «همراه نامردم برای پیاده‌روی به پارک آمده بودیم. در مسیر از کنار آلچیقی عبور کردیم که چهار پسر جوان داخل آن نشسته بودند. یکی از آنها به من متلك انداخت. نامردم ناراحت شد و به رفتار آنها اعتراض کرد. بعد از آن میان شان درگیری به وجود آمد و در جریان دعوا، نامردم با ضربه چاقو و چوب زخمی شد. چند لحظه بعد هم روی زمین افتاد و متهمان قبل از رسیدن پلیس فرار کردند.»

همزمان با ادامه بررسی‌ها، مأموران دریافتند در جریان



این نزاع یک نفر دیگر نیز زخمی شده و یکی از افرادی که در درگیری حضور داشته، توسط مردم دستگیر و تحویل مأموران کلانتری شده است.

کارآگاهان در نخستین گام با بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف پارک و انجام اقدامات اطلاعاتی، هویت دو نفر از عاملان درگیری را شناسایی کردند. در ادامه نیز با هماهنگی قضایی، مخفیگاه آنها تحت نظر قرار گرفت و متهمان پس از تعقیب و مراقبت‌های نامحسوس، بازداشت شدند.

متهم اصلی پرونده که شایان نام دارد، در جریان تحقیقات اولیه به حضور در درگیری اعتراف کرد و گفت: «همراه دوستانم برای تفریح از شهری به پارک قیطریه رفته بودیم. داخل آلچیق نشسته بودیم که مقتول همراه نامزدش از مقابل ما عبور کردند. یکی از دوستانم به دختر جوان متلك گفت و مقتول به رفتار ما اعتراض کرد.»

او ادامه داد: «مقتول از ما خواست عذرخواهی کنیم اما قبول نکردیم. بعد از آن درگیری شروع شد و در جریان دعوا با چاقویی که همراهم بود، دو ضربه به مقتول زدم. بعد از حادثه قصد فرار داشتم اما خیلی زود دستگیر شدم. قصد کشتن او را نداشتم و از اتفاقی که افتاده، پشیمانم.» پس از تکمیل تحقیقات و صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در این پرونده، شایان به اتهام مباشرت در قتل، سعید به اتهام معاونت در قتل و دو متهم دیگر به اتهام شرکت در نزاع منجر به قتل محاکمه شدند. جلسه رسیدگی به ریاست قاضی بابایی و با حضور قاضی مستشار، کریمی برگزار شد.

در ابتدای جلسه، اولیای دم مقتول با حضور در جایگاه برای عامل قتل درخواست قصاص کردند. سپس شایان به

سرقت با پابند الکترونیکی



دزد حرفه‌ای که با پابند الکترونیکی از زندان آزاد شده بود، سرقت از داخل خودروها را از سر گرفت. به‌گزارش خبرنگار جام‌جم، مأموران پلیس آگاهی تهران از ابتدای اردیبهشت در جریان سرقت لوازم داخل خودرو در مناطق مختلف پایتخت قرار گرفتند. بررسی‌ها نشان داد همه سرقت‌ها به یک شیوه رخ داده و باید از سوی فرد یا افراد حرفه‌ای رخ داده باشد. جست‌وجوها در این باره ادامه داشت تا این‌که دو روز پیش مأموران به سرنخ‌هایی دست یافتند که مدتی است یک متهم سابقه‌دار به‌نام شهرزاد اقدام به فروش اموال سرقتی داخل خودرو و نیز

دوربین‌های ثبت وقایع می‌کند. جست‌وجوها ادامه داشت تا این‌که مخفیگاه وی در یکی از محله‌های جنوب‌غرب تهران شناسایی و او در آنجا از سوی پلیس بازداشت شد. مأموران در بازبینی از خانه متهم ۹ دوربین سرقتی ثبت وقایع متعلق به خودروهای شاکیان، سلاح ز ۳، کارت‌های هویتی، کابل‌های برق و چند سلاح دیگر را کشف کردند. متهم به پلیس آگاهی تهران منتقل و معلوم شد پابند الکترونیکی دارد. او در ادامه تحقیقات به جرم خود اعتراف کرد و گفت: چند مرتبه بابت سرقت وسایل خودرو به زندان افتادم و هربار یک تا دو سال حبس کشیدم و رد مال پرداختم. آخرین بار هم بابت سرقت لوازم داخل خودرو به زندان افتادم. محکومیت آخرم چهار سال بود. آن را قبل از عید امسال به پایان رساندم و با پابند آزاد شدم. پس از آن شیشه خودروها را تخریب و اموال داخل‌شان، همچنین دوربین‌های ثبت وقایع را به سرقت برده و بعد از چند روز می‌فروختم. سلاح‌های داخل خانه‌ام را نیز از خانه‌ای در روستای مان سرقت کرده بودم.

صیاد خاکزاد، بازپرس شعبه دهم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: متهم در بازداشت به‌سر می‌برد و تحقیقات برای رازگشایی از دیگر جرایم او و این‌که از سلاح‌های کشف‌شده استفاده کرده یا نه، ادامه دارد.

محكمه

عنوان متهم اصلی پرونده روبه‌روی قضات ایستاد و در دفاع از خود گفت: «قبول دارم در درگیری حضور داشتم اما قصد قتل نداشتم و برای دفاع از خودم ضربه زدم. آن شب به من حمله شد و حتی به سرم ضربه خord.»

او در تشریح جزئیات شب حادثه اظهار کرد: «من و دوستانم برای تفریح به پارک قیطریه رفته بودیم. آنجا مشروب خوردیم و گل کشیدیم. مقتول همراه دختری از کنار ما عبور می‌کردند و با صدای بلند با هم جروبحث می‌کردند.

سعید به آنها اعتراض کرد که چرا سر و صدا می‌کنند. بعد از آن مقتول جلو آمد و گفت اینجا محله اوست و ما نباید به آنجا می‌آمدیم.»

متهم ادامه داد: «بین مقتول و سعید درگیری لفظی شروع شد. من جلورفتم تا دعوا را تمام کنم اما مقتول اصرار داشت سعید عذرخواهی کند. گفتم من عذرخواهی می‌کنم ولی قبول نکرد. بعد هم با تلفن از دوستانش خواست به پارک بیایند. چند دقیقه بعد چند پسر جوان به آنجا آمدند و درگیری شروع شد.»

شایان درباره لحظه قتل گفت: «در جریان دعوا، مقتول مرا روی زمین انداخت و همزمان فردی از پشت به سرم ضربه زد. وقتی مقتول دوباره به سمتم آمد، چاقویی را که در ساق پایم مخفی کرده بودم، بیرون آوردم و یک ضربه به پای او زدم. بعد هم همراه دوستانم فرار کردیم. از خانواده مقتول عذرخواهی می‌کنم و باور کنید قصدم فقط دفاع از خودم بود.»

پس از اظهارات متهم، وکیل مدافع او نیز در دفاع از موکلش گفت: «موکلم قصد قتل نداشته و ضربه را به پای مقتول زده است. بسیاری از مردم نمی‌دانند اصابت ضربه به ران، می‌تواند مرگبار باشد و همین موضوع نشان می‌دهد

سرویس سیا، وی از آنها خواسته تا امکان ویزای آمریکا و تحصیل در آن کشور را برای او فراهم کنند.

نامبرده با مراجعه به سایت سیا، اطلاعات شخصی و موارد مربوط به تخصص خود را وارد و برای ارتباطگیری تمایل خود را اعلام می‌کند. سیا پس از ۱۰ روز پاسخ درخواست محکوم‌علیه را از طریق جیمیل و با ذکر کد پذیرش اعلام می‌کند.

ارتباط با سرویس ادامه پیدا کرده و سرویس نیازمندی و سؤالات را اعلام و محکوم‌علیه پاسخ داده است. براساس اعترافات محکوم‌علیه، ارتباط با سیا به دلیل کند بودن و برخی موانع ارتباطی مدت زمان زیادی طول نکشیده است.

شکورزاده گفت: افسر سیا در چت از من سؤال کرد درخواستم چیست که من گفتم گدزنامه آمریکا و پول که در ادامه به من گفت اگر اطلاعاتی داری ارسال کن که به

تو پاداش بدهم. همزمان قبل از قطع ارتباط با سیا، شکورزاده با سرویس موساد ارتباط برقرار می‌کند و درخواست همکاری مجدد می‌کند.

متن کامل را در «جام جم آنلاین» بخوانید



کیوانگردراسکن کنید

حوادث

۱۱

سه شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ ۱ شماره ۷۳۱۹

🔍 **تنگر**

توقیف بخشی از املاک علی کریمی

با کار پیچیده حقوقی و اطلاعاتی؛ بخشی از املاک علی کریمی که سعی در اختفای آن‌ها داشته به نفع مردم توقیف شد. به گزارش مرکز رسانه قوه قضاییه، در هفته‌های گذشته با دستور قضایی اموال تعداد زیادی از خائنین به وطن و مردم که از عناصر وابسته به رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم هستند، با کار پیچیده حقوقی و اطلاعاتی شناسایی و توقیف شد. این افراد در همکاری با دولت‌های متخاصم موجب ایجاد خسارات گسترده‌ای به زیرساخت‌ها و مکان‌های عمومی نظیر مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، مراکز صنعتی و ... و فراهم کرده‌اند. -یکی از خائنان به وطن که فعالیت گسترده‌ای در حمایت از دشمن در سال‌های گذشته و ویژه در جنگ‌های تحمیلی اخیر داشته علی کریمی، بازیکن سابق فوتبال است. با استعلامات صورت‌گرفته از سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، برخی از املاک نامبرده که سعی در اختفای آن‌ها داشته با کار پیچیده حقوقی اطلاعاتی در استان البرز شناسایی شده است؛ بنابراین گزارش، دو واحد تجاری و ۴ واحد مسکونی از علی کریمی شناسایی و به دستور قضایی به نفع مردم توقیف شده است. رصد و شناسایی همکاران دشمن همچنان با دقت و سرعت ادامه دارد، زیرا حقوق عامه، بخشیدنی نیست و هزینه مادی خیانت به ثبات کشور، از محل دارایی‌های خائنین به وطن تأمین و به نفع ملت توقیف خواهد شد.

سوء استفاده مأموران قلابی از شرایط جنگی

پنج مأمور قلابی که به بهانه بازرسی خودروهای مردم در تهران اموال آنها را سرقت می‌کردند با هوشیاری پلیس پایتخت بازداشت شدند. به گزارش خبرنگار جام‌جم، نیمه اول اسفند سال گذشته مردی با حضور در پلیس آگاهی تهران از مأموران قلابی شکایت کرد و گفت: در شرق تهران سوار خودروی مدل بالایم بودم تا به خانه‌ام بروم. خودروی پژوی مقابلم توقف کرد. آنها بی‌سیم و تجهیزات نظامی داشتند. با ادعای این‌که به آنها گزارش شده با دشمن صهیونیستی - امریکایی در ارتباطم و در خودرویم محموله سلاح حمل می‌کنم خودرو را بازرسی کردند. هرچه گفتم در حال بازگشت از سرکار به خانه‌ام هستم توجهی نکردند. وقتی چیزی نصبیشان نشد، تکتم زدند و مجبورم کردند به آنها پول پرداخت کنم. مجبور شدم علاوه بر دستبند و ساعت طلایم، اینترنتی به حساب یک فرد ۳۰ میلیون تومان و اریز کنم. آنها فرار کردند. وقتی به کلانتری محل رفتم و موضوع را گفتم متوجه شدم آنها مأموران قلابی بودند.

مأموران به دنبال مأموران قلابی بودند تا اینکه افراد دیگری نیز با حضور در پلیس آگاهی تهران شکایت‌های مشابهی را مطرح کردند. مشخص شد، مأموران قلابی خودروهای مردم را در سطح شهر تهران و در ایام جنگ رمضان به بهانه بازرسی متوقف و با اتهام‌های امنیتی از جمله «ارتباط با موساد» و «حمل مهمات»، آنها را بازرسی و پول و طلاهایی که همراه داشتند را سرقت می‌کردند. بررسی هانشان داد، حساب‌هایی که شاکیان را مجبور می‌کردند پول به آن‌اریز کنند کارت‌های بانکی افراد معتاد بوده که کارت هایشان را اجاره داده‌اند. چند روز قبل مأموران به سرنخ‌هایی دست یافتند که نشان می‌داد سارقان پنج نفر و دارای سابق کیفری هستند. آنها شناسایی و یکی پس از دیگری بازداشت شدند. مهرداد ۶۰ ساله، سرکرده این باند در جریان تحقیقات گفت: بارها به اتهام کلاهبرداری، سرقت و قاچاق مواد مخدر به زندان افتادم. آخرین بارهم بابت حمل و فروش محموله مواد مخدر بازداشت شدم. حکم اعدام گرفتم که بعد از چند سال حکم اعدامم شکست و به ۱۵ سال حبس تبدیل شد. اعضای باند من همه خلافکار بودند و در زندان با آنها آشنا شدم. قبل از جنگ رمضان محکومیت من پایان یافت و آزاد شدم. چند نفر از دوستانم قبل و چند نفر بعد از من آزاد شدند. وی افزود: با تعقیب افراد، خودروهایشان را به قصد بازرسی متوقف و وانمود می‌کردیم آنها محموله‌های سلاح حمل می‌کنند یا گزارش جاسوسی آنها به ما رسیده و باید خودرو را بازرسی کنیم. اگر طلا و پول داشتند برمی داشتیم. در غیر این صورت از حساب بانکی‌شان از ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومان برداشت می‌کردیم. حتی همدستانم را رانده‌ای را بعد از بازرسی به مرگ تهدید کردند و پس از سرقت خودروی پژواش او را در کنار جاده رها کردند.

سرهنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی پایتخت با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف این متهم، چهار عضو دیگر باند که همگی سابقه سرقت، کلاهبرداری، قاچاق و روزگیری داشتند نیز به همدستی با سرکرده باند اعتراف کردند.

شرط عجیب برای بخشش قاتل

همسایه‌های قدیمی بودیم و در یک محله زندگی می‌کردیم. از چند سال قبل اختلاف و دعای من و او بر سر مسائل جزئی شروع شد و ادامه یافت. از او کینه داشتم. آن شب برای اسباب‌کشی به خانه باجنانم رفتم. بعد از آن دوستم زنگ زد که مقتول و دوستانش آمده‌اند و با او درگیر شده‌اند. من هم برای بررسی ماجرا و نجات دوستم به آنجا رفتم که دو عوامیان بالاگرفت. برای نجات دوستم چاقویی از جیبم در آوردم و با توجه به کینه‌ای که از مقتول داشتم چند ضربه به او زدم و فرار کردم و بعد از دستگیری فهمیدم مرده است.

قضات دادگاه وی را گناهکار شناختند و حکم به قصاص او دادند. این رأی از سوی قضات شعبه ۵۱ دیوان عالی کشور تأیید و به شعبه سوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران ارسال شد.

شهربار داستانی، قاضی شعبه سوم اجرای احکام دادسرای جنایی تهران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: مرد جوان زیر حکم

قصاص بود تا این‌که تابستان سال گذشته پای چوبه دار رفت و قرار بود در زندان حکم قصاص او اجرا شود که با توجه به عدم حضور خواهر مقتول در زندان حکم به طور موقت اجرا نشد و مرد زندانی به سلولش بازگشت.

بعد از آن، نام او دوباره در فهرست افراد زیر حکم قصاص قرار گرفت.

وی افزود: در جلسه صلح و سازش با خواهر مقتول که دیروز برگزار شد بعد از دو ساعت خواهر مقتول قاتل را به شرط پرداخت وجه‌المصالحه و رفتن از محله جوادیه بخشید. مرد زندانی این شروط را قبول کرد و بخشیده شد. بنابراین قاتل از مجازات قصاص رها شد و به زودی قرار است که از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شود.



مردی که به اتهام قتل مرد همسایه محکوم به قصاص شده بود وقتی برای دومین بار پای چوبه دار رفت، از سوی تنها ولی دم بخشیده و قرار شد متهم با پرداخت وجه‌المصالحه برای همیشه از محل زندگی‌اش در تهران برود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از پنج اسفند سال ۱۴۰۱ همزمان با قتل مردی جوان در محله جوادیه تهران در دستور کار پلیس جنایی پایتخت قرار گرفت. همزمان با حضور مأموران در محل معلوم شد او با ضربه‌های چاقو زخمی شده و در بیمارستان فوت کرده است. معلوم شد قاتل و دوستش گریخته‌اند و دوستان مقتول در محل حضور دارند. این در حالی بود که با تحقیق از خواهر مقتول و تنها ولی دم او معلوم شد برادرش با مرد همسایه‌شان اختلاف قدیمی داشته و طبق گفته شاهدان مرد همسایه همان قاتل فراری است.

با جمع‌بندی این اطلاعات مأموران به خانه متهم رفتند اما همسرش از او خبری نداشت. در تحقیق مأموران از دوستان مقتول معلوم شد آنها شب برای خوردن جگر به مغازه‌ای در محله رفته و بر سر قیمت با صاحب آنجا دعوا کردند. بعد دوست مرد مغازه‌دار هم به میان آمده و این درگیری مرگبار رقم خورده است.

متهم بعد از چند روز فرار بازداشت و با اعتراف به قتل روانه زندان شد. پرونده با صدور جلب به دادرسی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

در ابتدای جلسه خواهر مقتول برای قاتل برادرش درخواست قصاص کرد. شاهین، متهم به قتل نیز در تشریح ماجرا گفت: من و مقتول